



اگر فرد، ذره مرکزی شکل‌دهنده به جهان انسانی است، گویا نوجوانی مقطع شکل‌گیری فرد است. همان لوح سفیدی است که اگر غفلت کنی به سمت لکه شدن می‌رود. همین، نوجوانی را به مقطعی مسأله‌دار تبدیل کرده است. سرازیر شدن سیل شیوه‌های «شکل‌دهی به فرد» نیز از این‌رو در این مقطع سنگین‌تر از همیشه است

با نوجوان‌های امروزی چه باید کرد؟

نوجوانی در کشاکش برنامه‌وبازی



محمدرضا کلاهی

عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

یک

حجمی از وحشت درباره «نوجوان» در فضا پراکنده است: «بچه‌های این روزها سطحی و بی‌دغدغه‌اند. مدام سرشان در تبلت است. فیلم‌های ناجور می‌بینند. وقت‌شان را با «گیم» هدر می‌دهند. در شبکه‌های اجتماعی مختلف معلوم نیست با چه کسانی وقت می‌گذرانند. در اتاق تنهایی‌شان معلوم نیست با کی‌ها «چت» می‌کنند. بیرون که می‌روند معلوم نیست با کی قرار دارند و چه می‌کنند. معلوم نیست در گوشی‌هایی که مدام توی گوش‌شان است چه می‌شنوند. اصطلاحات عجیب می‌گویند. زبان‌شان نامفهوم شده. زندگی را به سخره گرفته‌اند. ما که همسن اینها بودیم، پایه‌پای بزرگ‌ترها باری از زندگی به‌دوش می‌کشیدیم. اینها عاقبت اهل کار و زندگی نمی‌شوند!»

اضطرابی مدام پشت ابهام موجود در زندگی نوجوان نهفته است. گوشه‌هایی از این فضای پنهان اضطراب‌آور، گهگاه در رخدادهایی مثل قرار دهه هشتادی‌ها در پاساژ کوروش، یا اجتماع عظیم مرگ مرتضی پاشایی بیرون می‌زند و جهان بزرگسالان را شگفت‌زده می‌کند. با نوجوان‌های امروزی چه باید کرد؟

دو

در سوی دیگر این ابهام اضطراب‌آلود، سیل برنامه‌ریزی به سوی نوجوان روان است. هسته مرکزی این آموزش‌ها، کسب «آگاهی»، تقویت قوه «عقلانی» در جهت انجام «انتخاب درست»، کسب «شایستگی» و همه اینها در خدمت رسیدن به «موفقیت» است. در کنار اینها رعایت «حقوق دیگران»، «قانون‌مداری» و رفتار «اخلاقی» و اگر بخواهیم گامی پر فضیلت برداریم، «کمک به دیگران».

این، «گفتمان موفقیت» است که امروز چنان قانونی طبیعی، جهان‌روا و ازلی-ابدی، تمام شئون زیست ما را فراگرفته است. واژه‌هایی مثل موفقیت، آموزش، آگاهی، شایستگی، انتخاب، عقلانیت، حقوق فردی، قانونمندی، اخلاق و کمک به دیگران، دال‌های اعظم این گفتمان‌اند که مثل مولکول‌های هوا در آنها غوطه‌وریم و از آنها استنشاق می‌کنیم. این واژه‌ها امروز والاتر از «مقدس»، در جایگاهی هستند که بدون آنها نه می‌توانیم رفتار کنیم و نه حتی ببندیشیم.

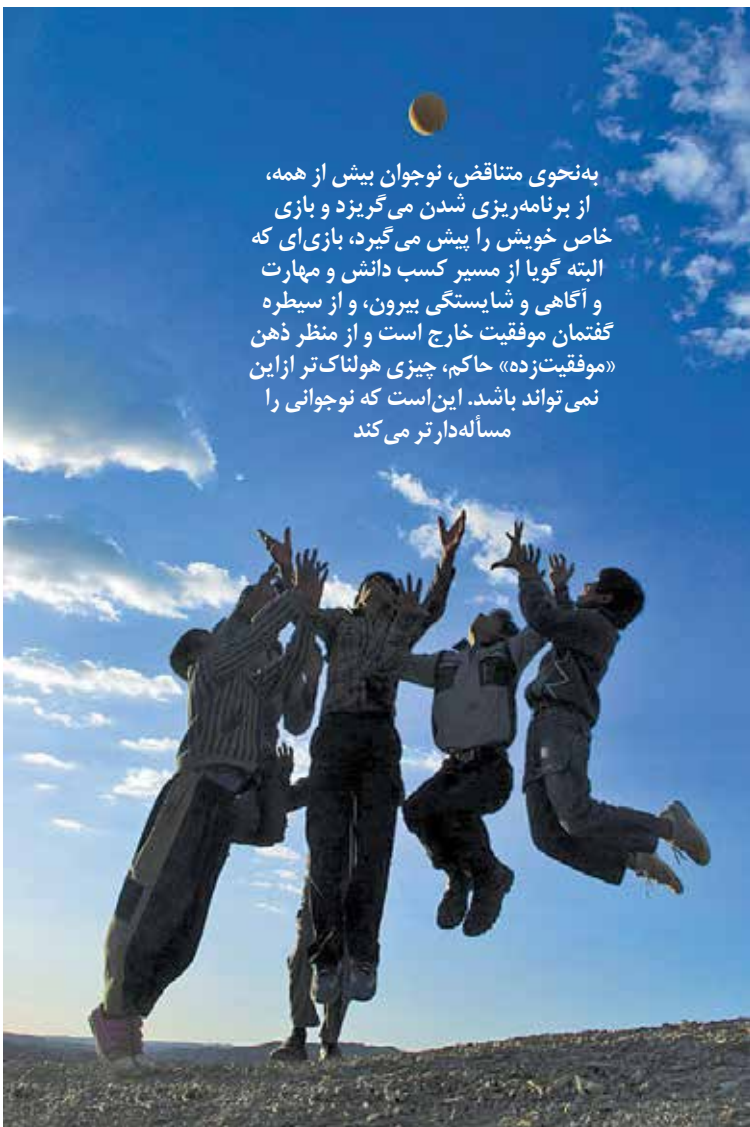
در مرکز این نگاه «فرد» قرار دارد چنان مقدس‌ترین وجود هستی؛ کوانتوم هستی؛ مرکزی‌ترین ذره شکل‌دهنده به جهان انسانی و پرورش درست او، یگانه راه رفع همه مشکلات. ذیل قطعیت خدشه‌ناپذیر «گفتمان موفقیت» دم و دستگاه عظیمی برای آموزش «فرد»، درهمه جوانب تأسیس شده است. این «تکنولوژی‌های خود» بازار مکاره‌ای از تقویت جسم و پرورش ذهن به راه انداخته‌اند. دستورات جزئی پزشکی، روان‌پزشکی، روان‌شناختی، تربیتی، اقتصادی، اخلاقی، مذهبی، معنوی و غیره در قالب انواع و اقسام کلاس‌ها و دوره‌ها از پیش از تولد برای مادر باردار تا آخر عمر، زندگی ما را به اضطراب «پیروی از دستورالعمل» تبدیل کرده است.

سه

اگر فرد، ذره مرکزی شکل‌دهنده به جهان انسانی است، گویا نوجوانی، مقطع شکل‌گیری فرد است. همان لوح سفیدی است که اگر غفلت کنی به سمت لکه شدن می‌رود. همین، نوجوانی را به مقطعی مسأله‌دار تبدیل کرده است. سرازیر شدن سیل شیوه‌های «شکل‌دهی به فرد» نیز از این‌رو در این مقطع سنگین‌تر از همیشه است.

به‌نحوی متناقض، نوجوان بیش از همه، از برنامه‌ریزی شدن می‌گریزد و بازی خاص

به‌نحوی متناقض، نوجوان بیش از همه، از برنامه‌ریزی شدن می‌گریزد و بازی خاص خویش را پیش می‌گیرد، بازی‌ای که البته گویا از مسیر کسب دانش و مهارت و آگاهی و شایستگی بیرون، و از سیطره گفتمان موفقیت خارج است و از منظر ذهن «موفقیت‌زده» حاکم، چیزی هولناک‌تر از این نمی‌تواند باشد. این است که نوجوانی را مسأله‌دارتر می‌کند



خویش را پیش می‌گیرد؛ بازی‌ای که البته گویا از مسیر کسب دانش و مهارت و آگاهی و شایستگی بیرون و از سیطره گفتمان موفقیت خارج است و از منظر ذهن «موفقیت‌زده» ی حاکم، چیزی هولناک‌تر از این نمی‌تواند باشد. این است که نوجوانی را مسأله‌دارتر می‌کند. از دست‌انداختن معلم، تقلب دسته جمعی و دعوای بیرون مدرسه گرفته تا مدل‌های مو و پوشش نابهنجار، زبان اگروتیک و نامفهوم، گذراندن در کلوب‌های مجازی و «فن‌بیچ»‌ها، گیم‌های کامپیوتری، گعده‌های دوستانه، شب‌بیداری‌های بی‌دلیل، فیلم‌های نابهنجار، غلیبان شهوت جنسی و رفتارهای پنهانی، همگی از منظر «دین موفقیت» گناهای نابخشودنی‌اند با نام‌هایی از قبیل «اتلاف وقت»، «بطالت» و «انحراف»؛ اما از موضع نوجوانی، چالش‌هایی‌اند که شکل‌گیری «خود» تنها از گذر آنها ممکن می‌شود.

چهار

آنچه زیر سیطره قطعیت «گفتمان موفقیت» پنهان می‌شود، اجتماعی بودن فردیت‌ها است. فرد در خلأ زندگی نمی‌کند و آموزش فردی در خلأ صورت نمی‌پذیرد. فرد، هستی‌ای اجتماعی است؛ درون اجتماع ساخته می‌شود و پیش از آنکه تصمیم بگیرد و انتخاب کند، بواسطه جایگاه طبقاتی‌اش، مذهب خانوادگی‌اش، قومیت‌اش، نژادش و جنسیت‌اش، در جایگاه معینی قرار گرفته و هویت معینی پیدا کرده. نوع توانایی‌هایش، نوع آموزش‌های لازم برای او، شیوه آموزش دادن به او، انتظارات دیگران از او، چگونگی رفتار دیگران با او و رفتار او با دیگران، همه پیشاپیش تعیین شده است. دگرگونی اجتماعی نه با دگرگونی درونی فردها، که با دگرگونی در جایگاه‌های اجتماعی و مناسبات میان آنها است که ممکن می‌شود.

پنج

زیست-جهان نوجوانی ترکیب دو «خرده-جهان» است: خرده-جهان برنامه و خرده-جهان بازی. خرده‌جهان برنامه که تلاش می‌کند موفقیت را قطره‌قطره و تک‌به‌تک درون نوجوانان تزریق کند، شخصیت‌های اصلی‌اش «اولیا و مربیان»‌اند، رخداد مرکزی‌اش «آموزش»، ژانر حاکم بر آن «جدیت». خرده‌جهانی فردی که موقعیت اصلی در آن، «صندلی کلاس» است؛ چه در مدرسه یا دانشگاه و چه در اقسام کلاس‌ها و دوره‌ها. دانش‌آموز گرچه در کلاسی بیست-سی نفره است، مادام که روی صندلی کلاس نشسته، تنها است. او در موقعیت دانش‌آموزی و تا جایی که به این موقعیت مربوط می‌شود، با کسی در رابطه نیست. تنها رابطه، میان او و آموزگار است. او البته با همکلاسی‌هایش دوست است و روابطی پیچیده میان‌شان هست اما اینها به موقعیت صندلی کلاس مربوط نیست. روابط با دوستان تنها از هنگامی می‌تواند آغاز شود که او از کلاس بیرون رفته باشد. درون کلاس درس، حتی کلامی حرف زدن با بغل دستی خطا است و مستوجب عقاب.

خرده‌جهان بازی، جهان خود نوجوان است، نه جهان تحت برنامه بزرگ‌ترها. شخصیت‌های اصلی‌اش «گروه دوستان» و همسالان»‌اند که هم‌عرض او هستند نه بالادست او، رخداد مرکزی‌اش «شیطنت و بازی» و ژانر حاکم بر آن «شوخی‌سری»؛ موقعیت رفتارهای جمعی؛ موقعیت بروز احساس‌هایی مثل خشم، عشق، دلخوری، افتخار، شرمندگی و هیجان. رابطه در خرده‌جهان برنامه، خطی، یک‌طرفه و ازبالا به پایین است. نوجوان در آن شنونده-مخاطب-پذیرنده و منفعل است. در خرده‌جهان بازی رابطه چندجانبه و متکثر است. نوجوان خود فاعل برنامه‌های خویش است: نقشه کشیدن، اجرا کردن، رهبری کردن، مخالفت کردن، دعوای کردن و... خرده‌جهان بازی جهان پیچیدگی روابط انسانی است. خرده‌جهان برنامه موقعیت قالب‌گیری «ذهن» درون مفاهیم انتزاعی است و خرده‌جهان بازی موقعیت چالش‌های «تن» در واقعیت‌های انضمامی است. نوجوانی مقطع سنگین‌ترین نزاع میان خرده-جهان‌های بازی و برنامه است و ساخته شدن «خود» (self) نوجوان درون همین نزاع ممکن می‌شود.